

هدف آفرینش بنابر پرسش ششم متن فارسی میانه دادستان دینی*

مهشید میرفخرایی



ستایش آفریدگار کاینات و روی سودن به درگاه او و نماز بردن بر آنچه خواست اوست، اصل همه دینها و ترجیح بند همه عبادت‌های آدمی است. آفریدگار دانا و توانا که همه نابوده‌ها را بود کرده و هستی را شکل بخشیده است، در آفریدن ذره‌ای از ذرات وجود بی منظور نبوده و همیشه و همه جا هدفی روشن و دقیق داشته است. برترین آفریده خود، آدمی، را از آن رو که به زیور خرد آراسته است، سنگین‌ترین کار فرموده و برآوردن خواست و اراده خود را که چیزی جز روی آوردن به نیکی و دوری کردن از بدی نیست، بدو محول کرده است. بنده‌ای که صمیمانه اراده خداوند را برآورد، پاداش می‌یابد و از لطف و رحمت او برخوردار می‌گردد.

پرسش ششم از متن فارسی میانه «دادستان دینی» که آوانویسی و برگردان آن

* T.D. Anklesaria (ed.) *The Dastan-I Dinik*. Part I, Pursishn I-XL, Shiraz: Asian Institute of Pahlavi University,

در زیر می آید، از جمله نوشته‌های معدود فارسی میانه است که ویژگیهای بنده راستین و گرونده پرهیزکار دین بهی را بر بنیاد متنهای دینی بر می شمارد و بنده برگزیده خداوند و بهدین راستکار را کسی می داند که اندیشه نیک و خرد را در دل جای دهد و خدای را بی چشمداشت پاداش، تنها برای پیروی از فرمان و سر نهادن به دستورهایش بندگی و ستایش کند.

PURSIŠN ŠAŠOM

1. šašom pursišn ān ī pursīd kū amā mardōm bē ō gētīg čē rāy dād ēstēd, u-mān andar čē abāyēd kard?
2. pāsox ēd kū pad-iz pāsox ī ham pursišn nibišt kū dām āfurihist bē rāstih <ā> kāmīšngarih ī dādār ud purr wehīhā winārdan ī ān ī a-kanārag nek-rawišnih ī dāmān, kē-š bīm bēš, čēōn ast frašagird ī a-brādarōd.
ān ī winārišn bawēd az spurr-pādixšāyih ī dādār, a-bādixšāyih ī druz.
3. čēōn-iš guft pad dēn kū andar ān ī zamān, spurr-pādixšāy bawēm, man kē ohrmazd hēm, nē pad čiš-iz pādixšāy bawēd ganāg mēnōg.
4. ud abar-iz nek-rawišnih ī dām ud dahišnih ōšmurd kū:
“nek man ka-m ēdōn dām dād, čēōn man kadār-iz-ē kāmāg, ō man xwadāyih dahēnd, xwadāyih čāšēnd”; ka ō kāmīšngarih, ī pad-iz mehēnišn ī-š xwadāyih dād ēstēm.
5. u-mān andar gētīg ēdōn abāyēd būd čēōn-imān rāst bandagih xwēš, abartom xwadāyih dādār drust-wimandtar dāšt bawēd.
6. rāh ī ō ān rāst bandagih pad xrad dānihēd, pad rāstih wābarihēd, pad wehīh sūdihēd.
7. u-š widarag ī awišt azērtar; weh mēnōg rāstihā pad menišn gāh kardan, dānišnīgihā griftan, dānišnīgihā hištan.
8. čēōn pad dēn gōwihēd kū ohrmazd bē ō zardušt guft kū wahman pad axw ī tō abēzag abāgēnē - kū-š mehman be kunē - čē ka wahman pad axw ī tō abēzag abāgēnē - kū-š mehman be kunē - ēdōn dō rāh be dānē, kē hu-rawišnih, kē-z duš-rawišnih.

پرسش ششم

۱. پرسش ششم آن پرسید که: «ما مردم چرا به گیتی آفریده شدیم و در [گیتی] چه باید بکنیم؟»^۱

۲. پاسخ اینکه: «در پاسخ همین پرسش نیز نوشتم که آفرینش، برای به درستی برآوردن اراده‌دار و به‌خوبی سامان دادن به نیکی بیکرانۀ آفریدگان، آفریده شد^۲ که، همچون فرشگرد بی‌رقیب، بدان بیم و رنج است. این سامان یافتن از توانایی کامل دادار و ناتوانی اهریمن باشد.»^۳
۳. همچنانکه در دین (= اوستا) گفته شد که: «در آن زمان، قادر مطلق باشم، من که هرزدم و گنامینو بر هیچ چیز توانا نباشد.»^۴
۴. و نیز در مورد نیکی آفرینش گفت که: «خوشا مرا که ایدون آفریدم، که هرگونه که مرا کام باشد، به من خدایی دهند، به خدایی با من پیمان کنند؛ یعنی که برای برآوردن اراده، نیز برای بزرگ کردن خدایش آفریده شدیم.»^۵
۵. و باید در گیتی چنان باشیم تا بندگی درست خویش و برتر خدایی (= توانایی کامل) دادار درستتر حفظ شود.^۶
۶. راه به بندگی درست از طریق خرد دانسته، به وسیله راستی باور داشته، و با خوبی سود رساننده می‌شود.^۷
۷. و راه بدان زیرتر [آید]: اندیشه نیک را به درستی در اندیشه جای دادن، با دانش [آن را] پذیرفتن و با دانش رها ساختن.^۸
۸. همچنانکه در دین گفته شود که هرزدم به زردشت گفت که بهمن (= اندیشه نیک) را در اندیشه پاکت جای دهی - یعنی او را میهمان کنی - چه اگر بهمن را در اندیشه پاکت جای دهی - یعنی او را میهمان کنی - ایدون دوراه را بشناسی که [راه] خوبی و نیز بدی است.»^۹

* * * پی‌نوشتها و مآخذ:

۱. عنوان این پرسش و پاسخ، با اندکی اختلاف، با پرسش دوم از همین متن هماهنگ است. پرسش دوم چنین آغاز می‌شود:
- دوم آن را پرسید که مرد پرهیزکار برای چه کار به گیتی آفریده شده است و باید در گیتی چگونه باشد؟
۲. ظاهراً اشاره به بند ۲ پرسش دوم است که می‌گوید:

- پاسخ اینکه دادار، آفریدگان را برای برآوردن اراده‌اش آفرید و ما باید آنچه را که اراده اوست برآوریم، تا آنچه را که خواست خودمان است، به دست آوریم.
۳. سامان یافتن، یعنی آرامتن فرشگرد و رسیدن پایان جهان. بر مبنای متنه‌های فارسی میانه، پیروزی نهایی هرمزد بر اهریمن و ناکاری و ناتوانی او روزی است که جهان پایان می‌یابد و از بدی و بدکرداری اثر نمی‌ماند. گزیده‌های زادسپرم (فصل اول بند ۱۳ تا ۲۴) تحقق فرشگرد و آرامتگی جهان پسین را در گرو سه نکته می‌داند که در نماز مهم اهنور نموده شده است و این سه عبارت است از: ۱- اعتقاد به اینکه هرمزد همه نیکی است بدون بدی. و اهریمن همه بدی است بدون نیکی. ۲- امید به پاداش نیکوکاران و بیم از کیفر بدکاران، که نتیجه آن کوشیدن به نیکی و دوری کردن از بدی است. ۳- همیاری و هم‌کوشی آفریدگان در انجام دادن کار ثواب است، که مآلاً سبب نیرومندتر شدن هرمزد و ناتوانی و نابودی اهریمن می‌شود.
۴. اشاره به فرشگرد است که در آن تنها قدرت حاکم، قدرت هرمزد است و از دیو و دیوادگان اثری نیست چه اهریمن به سوراخی که از آن برآمده، فرو شده است و درد و رنج از میان رفته و زندگی چهره مادی ندارد. بند ۴ پرسش دوم تأکید همین نکته است:
- ... نیز خوبی اراده هرمزد محقق است و از این (= خوبی اراده) توانایی مطلق آفریدگار برای آفریدن آفریدگانش پیدا است.
۵. هرمزد آفریدگان را برای برآوردن اراده خود می‌آفریند، با شناخت اراده هرمزد، هدف آفرینش نیز مشخص می‌شود. بندهای ۸ تا ۱۱ پرسش دوم، مطلب را روشنتر بیان می‌کند:
- ... ۸- آفریدگان را برای برآوردن اراده خویش، که دوری کردن از بدی و کامل کردن خوبی است، آفرید. ۹- گفته پیشینیان [نیز] گواهی می‌دهد که آفریدگان برای برآوردن اراده دادار آفریده شده‌اند. ۱۰- برآوردن اراده هرمزد بر دو بخش می‌شود، که عمل پرستش و کوشش (= ستیز) است. ۱۱- که پرستش، پرستش دادار مهربان است، که دوست آفریدگان خویش است. کوشش، ستیز با دروچ ستیزنده است که دشمن آفرینش دادار است.
- بنابراین آنچه که آمد، می‌توان هدف غایی آفرینش را در بندگی هرمزد و رعایت کامل دستورهای او جستجو کرد و در این بندگی ستیز و نبرد با اهریمن، که رقیب دیرپای هرمزد است، نیز جریان دارد. با درک این نکته که هدف نهایی آفرینش همانا بندگی یگانه است، به وسعت این دید و اهمیت آن در اسلام پی می‌بریم، آنجا که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:
- وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون (سوره ذاریات، آیه ۵۶) و من جن وانس را نیافریدم مگر برای اینکه عبادتم کنند.
- در تفسیر این آیه در المیزان (جلد ۱۸، صفحه ۶۱۶) آمده است:
- وچنانکه در تفاسیر آمده است، در این «الایعبدون» غرض منحصر اعبادت است. یعنی غرض این بوده که خلق عابد خدا باشند، نه اینکه او معبود خلق باشد. پس غرض نهایی از خلقت عبادت است یعنی این است که بنده از خود و از هر چیز دیگر بریده، به یاد پروردگار خود باشند و ذکر او گویند.
۶. در مورد بندگی کردن خدا در بند ۱۲، پرسش دوم آمده است:
- ... انجام وظیفه مردمان در برابر دادار، حفظ کامل بندگی خود نسبت به دادار و فراموش نکردن توانایی برتر دادار است.

باید بنده راستین بود و به شیوه درست خدا را عبادت کرد. باید عابد صالح بود و مقام عز، و عظمت خدایی را در عبادت نگاه داشت. در تفسیر المیزان در این مورد آمده است (جلد ۱۸، صفحه ۶۱۶):

حقیقت عبادت این است که بنده، خود را در مقام ذلت و عبودیت واداشته، ربه سوی مقام رب خود آورد. . . پس غرض نهایی از خلقت همان حقیقت عبادت است، یعنی این است که بنده از خود و از هر چیز دیگر بریده، به یاد پروردگار خود باشد و ذکر او گوید.

عرفان اسلامی در حقیقت چیزی جز این نیست. عارف و اصل رخت خودی را برمی دارد و در برابر خداوند، خود را به چیزی نمی انگارد و همه وجود و تواناییهای درونی خود را از آن خداوند می شمارد.

۷. شرایط عبادت و بندگی را خرد تعیین می کند. به عبارت دیگر، می توان گفت بندگی باید با آگاهی توأم باشد. هرمزد باید با دانش و آگاهی ستوده شود. در بندهای ۱۳ و ۱۴ پرشمش دوم، مطلب این گونه بیان شده است: . . . برای برآوردن اراده آن همه خوبی باید دوست پاک، ستایشگر پاک، و سپاسدار پاک بود. که دوستی پاک از ایمان کامل داشتن به این است که هر نیکی از اوست و هیچ بدی از او نیست. ستایشگر پاک از این است که هر خوبی از اوست و هیچ بدی از او نیست. سپاسدار پاک از اینکه همه رحمت از اوست و هیچ ستمی از او نیست.

پس بدین تعبیر، ستایشگر راستین کسی است که هرمزد را به نیکی و خوبی می ستاید و از هر بدی و ستم پاک و میرا می داند، یعنی او را رحمان و رحیم می شناسد.

۸. جای دادن اندیشه نیک (= بهمن) در اندیشه از آنرو مهم است که پرورنده «مرد پرهیزگار» است، چه بهمن تجلی اندیشه هرمزد و سراسر پاکی و تقدس است و از این رو، راهبر نیک اندیشان و پارسایان است.

۹. بند ۱۸ پرشمش دوم جایگزینی بهمن را در اندیشه این گونه تفسیر می کند: . . . کسی که خوبی بهمنی را در اندیشه میهمان دارد، پس آن مینوی خوب راه راست را بدو بنماید. از راه راست اراده هرمزد را بشناسد و برای برآوردن اراده هرمزد بکوشد و کامیاب شود، یعنی نیکی فرشگردی را به دست آورد.

نیز بند ۱۶ همین پرشمش:

. . . میهمانی بهمن در اندیشه، یعنی دل را صمیمانه به سوی ستایش درست [هرمزد] شتاباندن و از شهوت و خودپرستی دورداشتن.

دوراهی که در اینجا بدان اشاره شده است، یکی راه اندیشه نیک، گفتار نیک، و کردار نیک است که باراهبری بهمن به بهشت روشن و پاک دادار هرمزد منتهی می شود و دومی، راه اندیشه بد، گفتار بد، و کردار بد است، که به دوزخ سراسر تاریکی اهریمن می رسد.

Anklesaria, B.T.: Vichitakiha - i - zatsparam, Bombay, 1964.

طباطبایی، محمدحسین: ترجمه تفسیر المیزان. قم: انتشارات مؤسسه مطبوعات دارالعلم قم.



پښتونستان د علومو او مطالعات فریښی
پرتال جامع علوم انسانی